

رفیق لطیفه نعیمی



یکی از مشخصات و نیز یکی از نتایج انقلاب بهمن، سیاسی شدن زنان کشور و کشیده شدن خیل عظیم آنان به عرصه مبارزه فعال سیاسی بود. آگاه ترین این زنان که دریافتند منشاء استبداد، عامل باز تولید آن، و ریشه کلیه ستم های اجتماعی که بر مردم ایران اعمال می شود، در نظام سرمایه داری است؛ به مبارزه سوسیالیستی روی آوردند. رفیق لطیفه نعیمی یکی از این مبارزان راه سوسیالیسم بود.

لطیفه که در سال 1337 در یک خانواده متوسط در شیراز متولد شده بود و هنگام وقوع انقلاب در پل تکیک تهران درس می خواند، فعالانه در انقلاب 57 شرکت کرد و پس از قیام بهمن به " سازمان چریک های فدائی خلق ایران " پیوست و در بخش " پیشگام " این سازمان در پل تکیک به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. با تولد " راه کارگر " افق روشن تری برای مبارزه سیاسی انقلابی در برابر چشمان لطیفه گشوده شد و وی به صفوف پویندگان " راه کارگر " ملحق شد و سرانجام نیز در همین راه جان باخت.

رفیق لطیفه در 1359 به شیراز منتقل شد و فعالیت تبلیغی خود را در محلات آغاز نمود و در برخی از مناطق، مسئولیت بخش را به عهده گرفت. لطیفه در همین مأموریت چابکی و تحرک کمونیستی خود را نشان داد و تا قبل از 30 خرداد 1360، با همکاری دیگر رفقای پر کار و پر شور، تمامی شهر شیراز را زیر چتر تبلیغی سازمان گرفت. صداقت و صفائی که در روی خوش و همیشه خندان لطیفه و در رفتار انسانی و مملو از عاطفه او آشکار بود، سهم چشم گیری در جلب اعتماد همه کسانی داشت که از طریق او به " راه کارگر " کمک می کردند و امکاناتشان را در اختیار سازمان می گذاشتند. قدرت امکان سازی لطیفه، از خصائص انسانی و انقلابی او بر می خاست.

رفیق لطیفه در عین عطوفت و مهربانی وافر که در قبال مردم رحمت کش دور و بر خود و رفقای هم رزمش داشت، رفیقی منضبط و پیگیر بود و بر سهل انگاری، تن آسائی، لیبرالیسم و انفعال طلبی اغماض نمی کرد و با تمام قدرت در برابر تجلیات آن قد راست می کرد. او به سادگی از خود می گذشت و لزوم از خود گذشتگی در مبارزه برای او به قدری محرز بود که انتظار داشت همه را مثل خود از خود گذشته ببیند.

فداکاری انقلابی او زمانی در محک آزمون قرار گرفت که در بحبوحه پی گرد و سرکوب تابستان و پائیز سال 60، او داوطلب گردید تمامی قرارهای خیابانی خطرناک یکی از رفقا را که به دلیل مشکلات امنیتی ویژه، خود مجاز به اجرای آنها نبود، ضمیمه قرارهای خیابانی خود ساخته و خطری دو چندان را به جان خرید. لطیفه بی باکی خود را نیز با اجرای منظم و منضبط کلیه قرارهای تشکیلاتی اش در شرایطی که تمام شهر زیر کنترل و حجب به وجب اوباشان حزب الله بود، به ظهور رسانید. او در اوج مخاطره نسبت به هر خطر شخصی بی اعتناء بود. او یک مبارز با اراده بود و محرک او در این مبارزه، ایمان راسخ او به پیروزی حتمی سوسیالیسم و تنفر بی کران او از نظام بهره کشی سرمایه داری بود. رفیق لطیفه در اراده انقلابی اش استوار بود، و این استواری را زمانی از خود بروز داد که مبارزه از شرایط علنی و نیمه علنی به مبارزه زیر زمینی مبدل شد. او در این دوره انتقال در صف رفقائی قرار گرفت که هیچ گونه تزلزل و تردیدی به خود راه ندادند و با گرایشات راست و انفعال طلبی قاطعانه مبارزه کردند. لطیفه هنر مبارزه در شرایط مخفی را به سرعت می آموخت و روحیه جنگنده خود را پرورش می داد. او در سال 61 به پیروی از ره نمود سازمان مبنی بر استقرار فعالین در محیط های کار و زندگی زحمت کشان، به عنوان پرستار در یکی از درمانگاه های شیراز که محل مراجعه اقشار زحمت کش بود، مشغول به کار شد و در اواسط همان سال با یکی از رفقای هم رزم خود ازدواج کرد و پس از آن به تهران منتقل شد.

در فروردین سال 62، لطیفه در تور پلیس رژیم اسلامی گرفتار شد و شکنجه های خشن رژیم اسلامی نتوانست در استواری اراده او خللی وارد سازد. او به جرم وفاداری به کمونیسم، در مهرماه سال 62 به جوخه اعدام بسته شد و تیرباران گشت. اگر قطعی است که رژیم جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد، اگر برجیده شدن بساط بهره کشی سرمایه داری و پیروزی سوسیالیسم و اگر محو طبقات و تحقق کمونیسم، حکم گریز ناپذیر تاریخ است، پس مبارزه لطیفه به هدر نرفته و او با خون خود بر حکم تاریخ امضاء نهاده است.

وصیت نامه رفیق:

لطیفه نعیمی فرزند ؟

پدر و مادر عزیزم سلام

شماره شناسنامه ؟

متولد 1337

امیدوارم که حالتان خوب باشد، از این که باعث ناراحتی تان شدم متأسفم و امیدوارم که مرا ببخشید. من در تاریخ 26 فروردین دستگیر شدم، دو هفته بعد در 11 اردیبهشت به اوین منتقل شدم و در روز 9 مهر اعدام می شوم. از این که نتوانستم بهتر از این باشم متأسفم، از قول من به خواهر و برادرانم سلام برسانید، امیدوارم که همه آنها موفق و خوش بخت باشند، اگر روزی - را دیدید سلام مرا به او برسانید و بگوئید امیدوارم که مرا ببخشند، هرچند که خودم هرگز نتوانستم. به پدر و مادر - سلام برسانید و به خاطر زحماتی که به آنها دادم معذرت بخواهید، از قول من کردن بند را به مادرش بدهید و بگوئید که حفظش کردم و باید پیش خودش باشد. هرچه که دارم متعلق به - است، اگر توانستید به او بدهید و بگوئید که خوش حالم که با او زندگی کردم هر چند خیلی کوتاه بود.

وسائلم یک کیف سفید است، برای نعیمه دوخته ام. یک پارچه رودوزی کردم که تمام نشده است، مال مامان است، برای بابا می خواستم تسبیح هسته خرما درست کنم که موفق نشدم، متأسفانه برای بقیه هم نتوانستم چیزی درست کنم. مبلغ 1200 تومان و حلقه و ساعت در وسائلم می باشد.

..... (قسمت های نقطه چین توسط زندانبانان قلم خورده است). زندگی خوبی را برای آنان که می مانند آرزو می کنم. از قول من به همه سلام برسانید، به خصوص عمه سرور و دائی جان و دختر عمه ام و از این که باعث ناراحتی شان شدم، معذرت بخواهید. از خانواده - از قول من تشکر کنید. از همه کسانی که به نحوی باعث آزارشان شدم معذرت می خواهم و امیدوارم که مرا ببخشند. در صورتی که

به امید موفقیت همه عزیزانم و پیروزی

لطیفه نعیمی